

زخم کهنه مهر

درباره کمبود معلم در خراسان رضوی که هر سال با وعده ها و راهکارهای موقت جبران می شود، اما درمان نه

عده‌هایی که باهم نمی‌خوانند

تأییدجای ماجرا، به عدد ۱۵ هزار رسیدیم؛ کسری معلم در استان براساس تفاضل آمار تأیید شده وزیر و استخدام های جدید به روایت مدیرکل استان، با این حال سلطانی خودش در همان نشست خبری، عدد دیگری هم اعلام کرده است: «کمبود واقعی ۱۳ هزار نیرو». او در توضیح این عدد، به ۹۷ هزار نیروی انسانی شاغل در استان و نیاز ۱۱۰ هزار نفری اشاره کرده است. از آنجا که مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی عدد ۱۳ هزار نفر را برای «مجموع نیروی انسانی» استان به کار برده است، شامل معلمان، نیروهای خدماتی و سرایداران و... می شود. اینجاست که به دو عددی می‌رسیم که دست کم در ظاهر با هم نمی‌خوانند؛ چطور ممکن است کل نیاز نیروی انسانی استان ۱۳ هزار نفر باشد، در حالی که فقط کمبود معلمان، ۱۵ هزار نفر است؟ عدد کل نمی‌تواند از عدد جزء کمتر باشد، حتی اگر سلطانی عدد ۱۳ هزار را فقط برای کمبود معلمان اعلام کرده باشد، باز هم این عدد با ۱۵ هزار محاسبه شده نمی‌خواند؛ چون کمبود معلمان - براساس آمار وزیر و استخدام های جدید - نباید کمتر از ۱۵ هزار باشد. این مسئله احتمالا دو توضیح ممکن دارد؛ یا یکی از این امارها درست و دقیق نیست، یا تعداد نیروهای استخدامی بیشتر از عددی بوده که سلطانی اعلام کرده است. برای رفع این ابهام، از آموزش و پرورش خواستیم که آمار و اطلاعات دقیق تری از وضعیت کمبود معلم در استان، در اختیار خبرنگار ما بگذارد اما مشغله های مسئولان این اداره کل در آستانه بازگشایی مدارس، سبب شد که پاسخگویی به خبرنگار ما را به زمان دیگری موکول کنند و البته ما همچنان پیگیر این موضوع خواهیم بود.

درد مشترک

احسان عظیمی راد، نماینده مردم مشهد وکلات و عضو کمیسیون آموزش مجلس، تیرماه امسال در گفت وگویی با خبرنگاری خانه ملت، تصویری ملی از همان بحرانی ارائه می دهد که استان ما با آن دست و پنجه نرم می کند. او با اشاره به برآوردهای مطرح شده درباره این بحران گفته بود که «کمبود معلم در کشور در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۷۰ هزار نفر بود؛ این رقم در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۲۰ هزار نفر رسید و اکنون مدیران آموزش و پرورش استان ها، از کمبود نزدیک به ۱۰۰ هزار معلم برای سال تحصیلی جدید، خبر می دهند». عظیمی راد ریشه این بحران را در نبود یک برنامه جامع می داند. او تصریح می کند: «با گذشت حدود دو سال از آغاز اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت، هنوز سند جامع نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش، تدوین و نهایی نشده است و در نتیجه، وزارتخانه فاقد یک نقشه راه دقیق برای برآورد نیاز سالانه به معلم است.» عظیمی راد در آن مصاحبه گفته بود که احتمالا آزمون استخدامی وزارت آموزش و پرورش تا مهرماه برگزار نشود؛ مسئله ای که بعدتر مدیرکل آموزش و پرورش استان نیز در گفت وگو با شهرآرا، بر آن مهر تأیید زده و گفته بود: جذب از طریق آزمون ماده ۲۸ هر سال انجام می شود، اما در سال جاری، جذب ماده ۲۸ را در سراسر کشور برای تأمین نیروی مهرماه نخواهیم داشت. او همچنین درباره احتمال به کارگیری دانشجومعلمان سال سوم دانشگاه فرهنگیان برای تدریس، هشدار داده و گفته بود که «این اقدام می تواند پیامدهای منفی جدی برای کیفیت آموزش داشته باشد و اگر وزارت آموزش و پرورش چنین تصمیمی بگیرد، مجلس از ابزارهای نظارتی خود استفاده خواهد کرد.» این بحران ملی، ریشه ای دارد که سال هاست در نظام جذب معلمان کشور تکرار می شود.

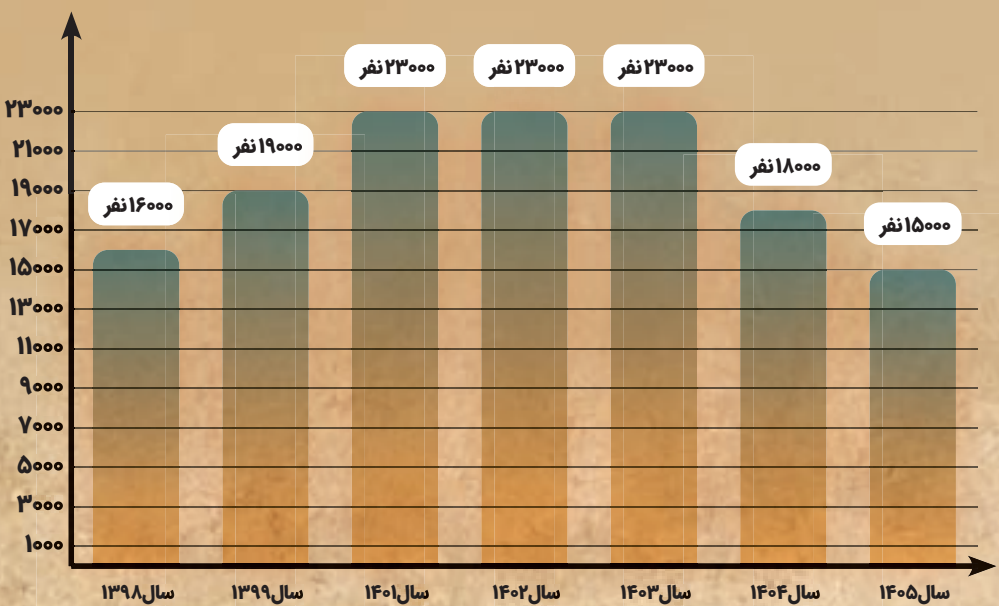
66

سلطانی: مهم ترین اولویت در آستانه سال تحصیلی جدید، اطمینان از حضور معلم در تمامی کلاس های درس است؛ چنانچه مدرسه ای با کمبود نیروی انسانی مواجه است، اولویت نخست باید تأمین معلم برای کلاس درس باشد

گزارش روز



کمبود معلم در استان (آمار رسمی و برآوردها)



چرخه معیوب جذب معلم

هر سال، پیش از مهر، همین قصه تکرار می شود؛ کلاس هایی که معلم ندارند، معلمانی که باید چندبرابر ساعت موظفشان درس بدهند و مدیرانی که خودشان جای معلم غایب، سر کلاس می روند. کمبود معلم در خراسان رضوی، مسئله تازه ای نیست؛ ما در گزارش های شهرآرا بارها از این معضل و پیامدهایش نوشته ایم. ریشه ها هم تقریباً همیشه یکی هستند؛ موج بازنشستگی معلمان، جذب سخت و ناکافی، بی میلی به ماندن در کلاس، توزیع نامناسب نیرو و مهاجرت معلمان. آموزش و پرورش هم اما بیکار ننشسته است؛ می کند و...؛ مجموعه ای از مُسکن ها برای خالی نماندن کلاس که البته هیچ یک علاج واقعی نیستند. تجربه هم همین را می گوید. استخدام های گسترده دهه های ۸۰ و ۹۰ -از حق التدریسی تا نهضت سوادآموزی- کمبود را برای مدتی کاهش دادند، اما چالش های تازه ای ساختند؛ چالش هایی همچون ضعف صلاحیت حرفه ای و بار مالی بلندمدت. بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی در گزارشی با موضوع «واکاوی چالش ها و الزامات جذب منابع انسانی کارآمد و با کیفیت در آموزش و پرورش» همین مسئله را برجسته کرده است. به بیان ساده تر، مسئله فقط این نیست که «چند معلم کم داریم»؛ مسئله این است که نظام جذب، خودش بیمار است. گزارش مرکز پژوهش ها حکایت از آن دارد که نظام جذب معلمان در کشور با سه مانع اصلی دست و پنجه نرم می کند؛ نخست، ضعف در برنامه ریزی جامع و بلندمدت؛ نیاز به معلم از قبل براساس داده های جمعیتی و روند بازنشستگی مشخص نمی شود؛ در عوض، هر سال در آستانه مهر با راهکارهای فوری جبران می شود. دوم، ناکارآمدی ساختار و تشکیلات جذب؛ تصمیم گیری متمرکز در تهران، باعث شده است نیازهای واقعی استان ها و مناطق آموزشی، دیده نشود. سوم، ابهام در تعریف «صلاحیت حرفه ای معلمی»؛ نظام جذب هنوز چارچوب روشنی برای سنجش اینکه «چه کسی شایسته معلمی است» ندارد. گزارش مرکز پژوهش ها در این باره تصریح می کند: «پیامد این وضعیت، تقلیل زیرنظام جذب و گزینش معلمان از گلوگاه کیفیت ساز به کانال تزریق کمی نیرو (فارغ از کیفیت) در آموزش و پرورش است.» به بیان ساده تر، این سه مانع توضیح می دهند که چرا راهکارهای مقطعی، هیچ وقت به درمان اصلی تبدیل نمی شوند.

سر نوشت وعده مهر

با همه این تفاسیل، مسئولان آموزش و پرورش استان وعده داده اند که در هفته نخست مهر، کلاس خالی از معلم نخواهیم داشت. سلطانی، هفدهم مرداد امسال به شهرآرا گفته بود: «با استفاده از ظرفیت معلمان حق التدریس، نیروهای شاغل، معلمان بازنشسته و ورودی های دانشگاه فرهنگیان، پیش بینی می کنیم در هفته نخست مهرماه، کلاس خالی از معلم نداشته باشیم.» رضا آسوده، معاون پژوهش، برنامه ریزی و توسعه منابع آموزش و پرورش استان، نیز هفدهم شهریور امسال در گفت وگو با شهرآرا گفته است: «امسال در حوزه نیروی انسانی هیچ گونه مشکلی نداریم و شرایطمان خوب است، به طوری که هیچ مدرسه ای در سال تحصیلی جدید، بدون معلم نخواهد بود.» آسوده این نکته را هم گفته است که «سال تحصیلی گذشته، ۱۸ هزار معلم کم داشتیم، اما در سال گذشته هیچ مدرسه ای بدون معلم نبود.» البته این گفته های او در حالی است که گزارش های میدانی شهرآرا پس از آغاز سال تحصیلی گذشته، حکایت از آن داشت که تا نیمه دوم مهر، در برخی کلاس های استان، همچنان جای خالی معلم مشهود بود؛ جای خالی ای که بعدتر با همان روش های به کارگیری معلمان حق التدریس، جذب فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان و استفاده از ظرفیت بازنشستگان، پر شد. حالا مهر از راه رسیده است؛ مدرسه ها باز شده اند و وعده «کلاس بدون معلم» باید از حرف به واقعیت رسیده باشد؛ از امروز، آنچه در کلاس های درس می گذرد، روشن می کند که زخم کهنه مهر، امسال هم زیر لایه ای از راه حل های موقت پنهان شده یا واقعاً علاجی یافته است.